

گفتگویی بی پرده و شفاف با اعضای هیئت مدیره نظام پزشکی کرج بزرگ و متقاضیان کاندیداتوری آن  
" به سراغ شما نیز خواهیم آمد. "

قسمت اول

این شماره : مصاحبه به دکتر عبد الرسول صداقت ، رئیس نظام پزشکی کرج بزرگ  
در تاریخ بیست و دوم اسفند 88



فرزاد فرزانه

مصاحبه کننده : دکتر حسین رجائی (روان پزشک)

مسوول امور فنی : فرزاد فرزانه

این اولین قسمت از سلسله مصاحبه هایی با این عنوان بود. مصاحبه گر و مسوول فنی) امور ضبط و پیاده کردن) همراه دیگری هم داشتند: کورش رجائی، کار آموز 7.5 ساله ی خیرنگاری و روزنامه نگاری که اولین تجربه حضورش در یک مصاحبه رسمی بود. قرار شده بود که اگر از این مصاحبه خوشش بیاید، در انشا هایش بنویسد: "وقتی بزرگ شوم روزنامه نگار خواهم شد." راستش را بخواهید از مصاحبه خیلی خوشش آمده است. اما محبت های بزرگوارانه ی دکتر عبدالرسول صداقت، کار دستمان داده است. چرا که فکر می کنم روایت کودکانه فرزند از یک مصاحبه در حال حاضر چنین شده است: "متنعم و متلذذ شدن از خوش خلقی، برخوردی گرم و حوصله ای عجیب همراه با نوشیدنی ها و شکلات های خوشمزه و فراوان مردی مهربان که در پایان نیز اکیپ را از هدایا و عیدی های پدرا نه ، بی نصیب نمی گذارد."  
از مصاحبه شوندهگان بعدی هم ما انتظار هدیه یا عیدی و چنین چیز هایی نخواهیم داشت، معهذاً اگر در مصاحبه های بعدی مان باز هم کورش رهایمان نکند، امید واریم فقط با همین گشاده رویی که امروز دیدیم از جانب مصاحبه شوندهگان مواجه شویم.



سوال : آقای دکتر صداقت ، احتمالاً برای دیگران هم مثل بنده ، شما مردی صریح اللهجه به چشم می خورید.  
اگر صریح اللهجگی با IQ بالا همراه باشه آقای دکتر ...

جواب : کار دست آدم کی دهد ...

سوال : ... ممکنه صداقت به سادگی دور زده شود. نظر شما در این مورد چیه و آیا ما می توانیم روی صداقت شما حساب باز کنیم؟

**جواب:** آ... نمی دونم. قرار است گفتگو خودمانی باشه دیگر. من تنها چیزی که میتوانم به شما بگویم اینست که امیدوارم صداقت من مثل آن زلفعلی نباشد که اسم بعضی کچل ها را می گذارند زلفعلی. به هر حال مت دلمان میخواهد که مو داشته باشیم و اسممان هم زلفعلی باشد.

**سوال:** بله. آقای دکتر شما قول یک نسکافه را هم اینجا به ما داده بودید. اگر چیزهایی که خودتان هم دوست دارید برای دیگران بخواهید هدیه دهید، معنی این دعوت اینست که شما خیلی آدم پرکاری هستید. میشه علت این همه پر کاری رو ازتون بپرسیم؟

**جواب:** نسکافه رو که گفتین... من شاید از سال 1366 که بوشهر بودم و مدیر عامل بهداری استان بودم، سیستمی در محل کار دارم که با اینکه یک نفر راه بیافته و جای ببره به اتاق های مختلف مخالفم. به همین دلیل همیشه به کارکنان می گفتیم که جای و آب جوش حتی نسکافه هم برایتان گذاشتیم. و برای خودمون هم یک مینی کافی شاپ هست که دوست هایی مثل شما که بشریف می آورند... البته آن شیشه نسکافه را تقدیم نمی کنیم، یک فنجان نسکافه می سازیم و خدمت شما تقدیم می کنیم.

**سوال:** خب، معنی اش اینست که شما خیلی تمایل به پرکاری دارید؟

**جواب:** من اصولاً آدم پر کاری هستم. علیرغم اینکه پنجاه را رد کردم و وارد پنجاه و یک شدم، ولی یک زمانی شاید در شبانه روز بیشتر از 6 یا 7 ساعت آرامش نداشتم و بقیه اش هم کار بود و الان هم میتوانم بگویم که در شبانه روز کمتر از 15 ساعت کار نمیکنم و هنوز خدا این انرژی را به من داده که بتوانم در خدمت بنده هایش باشم، انشا الله. حالا اسم این را شما میگذارید پرکاری... من نمی دانم. اون اسم را شما تعیین میفرمایید.

**سوال:** آقای دکتر انتخاب مجدد شما به سمت ریاست سازمان نظام پزشکی کرج در ماه های اخیر شاید نظر دیگران را هم مثل بنده جلب کرده باشه. فکر می کنید چرا نمی شود برای ریاست مجموعه از جناب عالی صرف نظر کرد؟

**جواب:** خب این خیلی بد است البته به نظر من، که در چنین مجموعه ای مثلاً فقط روی یک یا دو فرد فوکوس شود. من معتقدم ما اینقدر باید نیرو داشته باشیم در جامعه پزشکی مان که دست روی هر فردی بگذاریم او توانایی این کار را داشته باشد. بگذارید جمله ام را این گونه اصلاح کنم که اصولاً کسی که می آید خودش را کاندید عضویت در هیئت مدیره می کند باید اول از خودش این سوال را بکند که آیا من توانایی مدیریت بر چنین سازمانی را دارم؟ خب، مگر قرار نیست رئیس هیئت مدیره از بین اعضای هیئت مدیره انتخاب شود؟ و مگر اینطور نباید باشد که شانس هر فردی در هیئت مدیره 17 نفره، یک هفدهم باشد؟ مگر وقتی ما انتخابات ریاست جمهوری داریم، پنج کاندید یا چهار کاندید داریم، یکی شان می تواند بگوید که من فقط آمده ام بازار را گرم کنم، والا من که میدانم رای نمی آورم. این یعنی در واقع هم بازچه قرار دادن خودش و هم دیگران. لذا من معتقدم در جریان انتخابات هیئت مدیره نظام پزشکی، کسانی باید بیایند که دو تا شرط داشته باشند: یک، آدم هایی باشند که به آن میز، یعنی میز هیئت مدیره و نیز ریاست، بتوانند ارزش بدهند، نه اینکه دنبال این باشند که ارزش را از آن میز و عنوان بگیرند و خودشان اینقدر بالا باشند که به آن میز ارزش بدهند، بگویند آقای دکتر رجایی نشست پشت این میز و به آن ارزش داد. دوم اینکه تک تک شان توانایی نه تنها ریاست آن سازمان، بلکه حتی ریاست سازمان کل را داشته باشند. برای اینکه ریاست کل سازمان نظام پزشکی هم از بین همین منتخبین، جمع میشوند، مجمعی تشکیل میشود، چند تا از این ها کاندید میشوند و یکی رای می آورد. من البته خودم معتقدم که خیلی پیاپی تر از این سطوحی هستم که دوستان فکر می کنند اما خب یک وقتی هست که دوستان یک چیزی را به گردن شما می اندازند و خب شما ناچارید قبول کنید. ما در شرایط جدید که اتفاق افتاد، خب من به شخصه احترام خیلی زیادی برای آقای دکتر کاظمینی قائل هستم و سال گذشته یا دو سال پیش که مطرح شد یک فردی را برای نظام پزشکی مرکز به عنوان پزشک نمونه انتخاب کنیم، بنده ایشان را پیشنهاد دادم و در هیئت مدیره تصویب کردم در دوره قبل، اما خب در این دوره احساس میشد که آقای دکتر واقعا از نظر جسمی آن کشش لازم را ندارند و ما نگران سلامتی ایشان بودیم. مطلب بعد اینکه این نظام پزشکی و این قانون جدید، آن نظام پزشکی نبود که هشت نه سال پیش آقای دکتر ریاستش را داشتند. قانون جدید که آمده وظایف بسیار سنگینی بر عهده مان گذاشته و در کنارش خود همین ساختمان نظام پزشکی کرج، چرخاندنش کار سختی است. این بود که خود آقای دکتر کاظمینی هم این نکته را کاملاً قبول کردند و بدون هیچگونه دل نگرانی و ناراحتی نظر دوستان را پذیرفتند و حتی اطلاع دادند که ایشان به شخص بنده رای مثبت هم دادند.

**سوال:** شما پست های زیادی تا به حال داشتید. سمت ها و وظایف و پست ها. در بوشهر به عنوان وزارت بهداشت، پزشکی قانونی، نظام پزشکی و... مجموعاً کارنامه و عملکرد خودتان را آیا خوب و کافی میدانید یا نه؟

**جواب :** میگویند که یک روز از یکی از علمای بزرگ پرسیدند که شما هنسان خیلی بزرگی هستید، عارف هستید، فیلسوف هستید، آیا راضی هستید در موقعیتی که قرار دارید؟ و میدانید خیلی ها شما را الگوی خودشان قرار دادند که به این نقطه برسند. ایشان گفتند که مادر من روزی که من را به مکتب خانه سپرد، به استادم گفت من میخواهم او امام جعفر صادق شود، و من این شدم. وای به حال کسانی که بخواهند من را الگوی خودشان قرار دهند. نه من واقعا ... من شاکر هستم از درگاه خدا و این جملاتی که میگویید من را به یاد آن جمله حضرت امام علی در دعای کمیل می اندازد که می فرماید خدایا، چه ثنا و توصیف های زیبایی که مردم درباره من میگویند و من می دانم که اهل آن نیستم اما تویی که این توصیف ها را به زبان مردم جاری میکنی. من همین جمله را می توانم بگویم.

**سوال :** خب من میتوانم بپرسم که اصلا انگیزه اصلی شما برای کاندیداتوری هیئت مدیره و ادامه وظیفه فعلی تان به عنوان رئیس و عضو هیئت مدیره سازمان نظام پزشکی چی بوده است؟

**جواب :** میگویند کسی که به دنبال مسوولیت می رود یا باید دیوانه باشد یا عاشق! حالا بعضی از افراد اهداف دیگری هم دارند. من خودم به شخصه می توانم بگویم هم دیوانه هستم هم عاشق. و فکر میکنم جامعه پزشکی ما در موقعیتی قرار دارد که نه خودش قدر خودش را میداند ، نه مسوولین قدرش را میدانند و نه مردم قدرش را میدانند. جامعه پزشکی ما در موقعیتی قرار دارد که متأسفانه هر کسی به خصوص از مسوولین دنبال جایی میگردد که کسری ها و کاستی های مدیریتی خود را توجیه کند، خب یک لگدی هم به این جامعه پزشکی می زند. لذا لازم است که به جد ما یک گروه قوی باشیم که بتوانیم از حقوقمون دفاع کنیم. دفاع از حقوق پزشک ، به تمام معنا یعنی دفاع از حقوق بیمار. اگر پزشک در جامعه دارای عزت باشد، بیمار دارای عزت می شود. اگر پزشک موفق باشد ، بیمار خوب درمان می شود و جامعه ای که پزشکی در آن رشد کمی و کیفی خوبی نداشته باشد و پزشکی در آن با مقدار نباشد، آن جامعه، جامعه ای است که دچار بیماری های روحی و جسمی خیلی زیادی خواهد شد. و میدانید که بسیاری از معصومین و بزرگان ما وقتی بحث یک جامعه سالم شده است، می گویند جامعه ای سالم است که در آن پزشکان سالم، معلمان سالم و بازرگانان سالمی باشند. بازرگان برای اینکه اقتصاد جامعه را رونق دهد، معلم برای اینکه به آحاد جامعه آموزش دهد و پزشک برای اینکه سلامت روحی و روانی مردم را تضمین کند.

**سوال :** آیا راجع به زندگی خانوادگی تان هم میت.انیم اطلاعاتی از خودتان داشته باشیم؟

**جواب :** زندگی من را هم اطلاع دارند.(خنده) من در زمینه وضعیت خانوادگی ام و اینکه کی و کجا به دنیا آمده ام هم در آن کتابچه ای که در زمان کاندیداتوری چاپ شده بود ، عنوان شده بود. من در روستایی به نام زیارت از شهرستان دشتستان در استان بوشهر به دنیا آمده ام. سال 1337 به دنیا آمده ام. دانشجوی دانشگاه تهران بودم، هم در دوره عمومی و هم در دوره تخصصی رادیولوژی ...

**سوال :** رادیولوژی خواست خودتان بود یا آقای دکتر ؟

**جواب :** بله ، شدیداً علاقه مند به رادیولوژی بودم . یک دوره ی کوتاه مدت را برای MRI در دانشگاه میامی گذراندم . و همسرم هم پزشک و رادیولوژیست است منتها مطب شان در کرج نیست و در تهران است ، خب به دلیل اینکه ده سال پیش که من به اینجا آمده ام بعضی از بچه ها کوچک بودند و لازم بود بیشتر آنان نزدیک باشند . چهار تا فرزند دارم ، یک دختر سه پسر. دو تاشان ازدواج کرده اند و دو تاشان هم در نوبت ازدواج قرار دارند...

**سوال:** تحصیلاتشان؟

**جواب :** پسر بزرگم مهندس هوا و فضا است از دانشگاه شریف ، دخترم فوق لیسانس گرافیک و استاد دانشگاه است . پسر دوم که فرزند سوم من میباشد طلبه است در مدرسه ی مروی در تهران، و پسر چهارم من دانشجوی رشته ی کشاورزی دانشگاه تهران در پردیس کشاورزی کرج است.

**سوال :** بسیار خوب ، پس زندگی خانوادگی رو به راه و رضایت بخش است؟

**جواب :** الهی شکر ، ما همیشه از خدا راضی هستیم و همینقدر هم زیادی بوده که به ما داده و لطف داشته به ما .  
**سوال:** اگر رادیولوژیست شدن برایتان امکان نداشت چه رشته یا حرفه ی دیگری میتوانست برای شما ارضا کننده باشد؟ خارج از پزشکی منظورم است

**جواب:** خارج از پزشکی؟

**سوال:** بله ، اگر در پزشکی رادیولوژی برایتان امکان پذیر نبود چه رشته ی دیگری انتخاب میکردیدو اگر دکتر اصلا نمیشدید چه رشته ای ؟

**جواب :** من اگر قرار بود پزشک نشوم ، میرفتم به سمت گرافیک و عکاسی . چون آدم در آنجا هم به نوعی امکان خلق آثاری برای انسان وجود دارد که که خب به شکلی شباهت هایی شاید به رادیولوژی داشته باشد. اما در آنجا بیشتر بیرون را مینگرد و ما گاهی درون را هم می نگریم! (خنده)  
**سوال :** خب آقای دکتر ، نظرتان راجع به آدمها و مردم خودمان چیست؟

**جواب:** ببینید ، باید ببینیم خداوند راجع به انسان ها چطور قضاوت میکند . مگر ما نمیگوییم روزی که خداوند انسان را از گل آفرید ، بعد از روح خود در آن دمید ، مگر ما نمیگوییم خدا حمد صمد است . البته صمد را بی نیاز ترجمه کردن اشتباه است . صمد بودن خدا یعنی اینکه خدا در همه جا هست . نیاز یعنی چی؟ نیاز یعنی به طرحی داری که بخشی از آن خالی است، و میخواهی این را پر کنی ، وقتی وجودی مثل خدا در همه جا هست ، در وجود من و شما هست ، در کنار ما هست ، خدا خودش در قرآن میگوید که از رگ گردن به شما نزدیک تر ام ، خب این خدا با مردم چگونه برخورد میکنه؟ خداوند میگوید این کافر است و آن مسلمان است؟ نه اون جزایی را که باید بدهد در جای خودش میدهد ، اما وقتی باران میآید هم در دشت شوریز لر می آید ، هم عقرب از آن استفاده میکنند هم مار ، هم مسلمانان استفاده میکنند و هم مسیحی و هم یهودی . ما با آن دیدگاه اگر به آدم ها نگاه بکنیم ، بسیار بسیار زندگیمان شیرین میشود . میگویند حضرت امام حسن سفره ای داشته که همیشه این سیبل و کسانی که گذر میکردند ، در آن زمان مثل الان امکاناتی نبوده ، آن سفره بوده و مردم متع ناهار و شام میرفتند و رایگان از آن مصرف میکردند. به امام میگویند که شما خبر دارید که عده ای از اینها که از سفره خانه ی شما استفاده میکنند اصلا مسلمان نیستند ، بعضی هایشان حتی ضد شما و ضد اهل بیت هستند، ضد پیغمبرند ، ضد اسلام اند ، زندیق اند ، شما چطور اجازه میدهید اینها بر سر این سفره بنشینند؟ ایجا شیخ ابو سعید ابا الخیر تعبیر بسیار زیبایی از جمله ی امام حسن دارد و آن را به نظم آورده، امام حسن میفرماید : آن را که در نزد خالق ارزش جانی هست ، در سفره ی ابالحسن ارزش نانی است. اگر انقدر این انسان ارزش داشته که خدا جانش را حفظ کرده ، پس انقدر هم پیش من ارزش دارد که بیاید و تکه نانی بخورد . ما با این دید اگر به مردم نگاه کنیم ، با این دید نگاه بکنیم که حسادت جزء گناهان کبیره است ، کینه میتواند انسان را به بی راهه بکشاند ، غیبت ، خوردن گوشت برادر مرده است، دروغ میتواند انسان را از اوج عزت ، به حضیض ذلت بکشاند ، این دید را اگر داشته باشیم من فکر میکنم زندگی بر روی کره ی زمین میشود همان مدینه ی فاضله ای که میگویند در زمان آمدن امام زمان اتفاق می افتد.

**سوال :** خب، مردم ما چه جور مردمی هستند؟ منظورم، آیا مردم ایران را خوب دیدید در مقایسه با کشور های دیگر؟

**جواب :** ببینید، من می توانم در یک کلیت بگویم که تفاوت ها برمی گردد به اقلیم های جغرافیایی و پیشینه آدم ها. شاید از نظر کلیت تفاوت خیلی زیادی بین مردم ما با جاهای دیگر نباشد، سنت ها تفاوت ایجاد می کند. من معتقدم اینکه جاهایی میبینم اغراق هایی می شود که آقا مردم ما بهترین مردم دنیا هستند! اصولا اگر این دیدگاه ها توسط یک انسان بزرگ گفته شود مثل یک پیامبر یا یک امام ، خب جای تعجب ندارد. شما ببینید امام حسین در صبح عاشورا بعد از اینکه دیگر تصفیه می شوند و آن ناخالصی ها از گروهش جدا میشوند و آن هفتاد و دو تن باقی می ماندند، به یارانش می فرمایند من اصحابی مانند اصحاب خود سراغ ندارم. یعنی میخواهد بگوید اصحاب پیغمبر هم به خوبی اصحاب من نبوده اند . همان اصحاب پیغمبر بوده اند که بعد از مرگ پیغمبر ، قضیه ی ثقیفه و داستان خلافت را راه انداختند، و حتی به یاران خودش اصطلاح بنی الکرام ، فرزندان کرامت میدهد و آن ها را صدا میزند . خب بله این امام حسین است و آن هم به تعداد مشخصی ، تعارف هم ندارد ، شب هم این حرف را نمیزند، شب وقتی که میگویند هزار نفر بودند و میگوید شب تاریک است و راه باز است و بروید ، اینها با من کار دارند ، آن هفتاد و دو تن که باقی مانده اند ، امام حسین به آنها این جمله را میگوید . من معتقد ام که ما باید مردمان را با واقعیت آشنا بکنیم . اگر مردم ما اشکالاتی دارند بدون رودرواسی بگویم . و اینکه ما بگوییم بچه های من بهترین بچه ها هستند ، همسایه های من بهترین همسایه ها هستند ، این بهترین یعنی بالاترین، یعنی دیگران را به یک نوعی زیر سوال بردن . مگر اینکه ما آنقدر سندیت حرفمان زیاد باشد که مثل حرف امام حسین باشد . دیگر کسی نتواند روی آن حرف ، حرفی بزند و دشمن هم که میبیند بگوید واقعا همین طور است .  
**سوال :** خب پس مجموعا توانسته اید مردم کشورمان را دوست داشته باشید ؟

**جواب :** بله من به مردم مون عشق میورزم . بسیاری از موقعیت ها از سال 1995 که من رفتم آمریکا ، در خود آمریکا برای من امکان کار بوده تا کشور های حوزه ی خلیج فارس ، به خصوص بعد از جنگ خلیج فارس که آمریکا علیه عراق در کویت اتفاق افتاد، موقعیت های کاری بسیار زیادی برای من بود ، که من همه ی آنها

را کنار زدم برای اینکه کار در کشور خوردم را یک عشق میدانم ، کار کردن برای مردمان را یک وظیفه میدانم و ان شاء الله تا زمانی که این نفس می آید و می رود من این خدمت را ادامه میدهم .  
سوال : آقای دکتر درسته که الان خیلی زود است ، اما آیا فکر میکنید که برای دوره ی بعدی هیئت مدیره نظام پزشکی کرج ، یا نظام پزشکی کل کشور باز هم کاندید خواهید شد؟  
جواب : قطعاً نه .

سوال : بدون توضیح؟

جواب : ...

سوال : نمیخواهید توضیحی بدید ؟

جواب : قطعاً نه.

سوال : بسیار خب . آقای دکتر سالی که در حال تمام شدن آن هستیم مجموعاً سال خوبی بود یا نه؟ به عبارت دیگر آیا بهتر است که امسال از تقویم سال ها خط بخورد یا بر عکس ، یک بار دیگر هم بهتره تکرار بشه؟  
جواب : ببینید ما نباید ایده آلیستی فکر کنیم . تقویم را من و شما نمیتوانیم خط بزنیم . تقویم سر جای خودش است . خوبی ها و بدی ها هم سر جای خودشون هستند . من معتقد ام بهترین کار این است که وقتی به پشت سرمان نگاه میکنیم ، هم از نقاط قوت هم از نقاط ضعفمان پند بگیریم . قدر مسلم اگر از دیدگاه پزشکی نگاه کنیم شاید تفاوت خیلی زیادی بین این سال و سال های دیگر نداشتیم . یک اتفاقاتی به ظاهر افتاد مثلاً در وزارت بهداشت یک دانشمند فرزانه ای که وزیر بود رفت و یک جایی هم مورد کم مهری قرار گرفت که به ظاهر یک لطفه بود اما به نظر من کم مهری بود ، به فردی که فرزانه و دانشمند بود هر چند جوان و کم تجربه بود . از طرف دیگر برای اولین بار در تاریخ بعد از انقلاب اسلامی یک خانم وزارت را به عهده گرفت که هنوز برای من ابهام است که ایشان چه قدر در اینکار میتواند موفق باشد...

سوال : چون که خانم است ؟

جواب : نه نه . به خاطر اینکه ایشان سابقه ی قبلی مدیریتی را در این سطح و یا یک درجه پایین تر از این سطح را نداشت . اگر چه آقای دکتر لنکرانی اثبات کرد که اگر تجربه را هم نداشته باشی میشود با مشورت با دیگران به نقاد خوبی رسید . در زمینه ی نظام پزشکی من فکر میکنم سال بسیار خوبی بود . شاید بهتر است اواخر سال 87 را بچسبانیم به امسال چون انتخابات بسیار خوبی انجام گرفت ، درصد شرکت کنندگان در سطح کشور بسیار بسیار عالی بود . ولی خب اگر بخواهیم از دیدگاه تعرفه ها نگاه کنیم خب نه ، هنوز نظرات واقعی جامعه ی پزشکی را برا ورده نکرده است که اگر لازم بود من در این زمینه صحبت خواهم کرد .

سوال : آقای دکتر به تعرفه ها اشاره کردید . ساعاتی پیش از این که بنده به حضور شما برسم ، بعضی از همکاران و اعضای سازمان ، نگرانی های خودشان را از زمزمه هایی مبنی بر اینکه در سال آینده سازمان راضی به افزایش تعرفه ها و حق ویزیت ها نباشد به بنده رساندند . این زمزمه ها از کجا به گوش میرسد ؟ آیا در این مورد چیزی برای گفتن دارید ؟

جواب : نه ، ببینید ، زمزمه ها نباید ملاک قضاوت ما باشد . بنده خودم رئیس یک انجمن کشوری هستم ، انجمن رادیولوژی ایران ، ما خب جلسات متعددی داشتیم برای تعیین تعرفه و در کمیسیون های مربوطه در سازمان مرکزی نظام پزشکی ، و آنچه مسلم است افزایش تعرفه ها تا سقف تورم شناخته شده از طریق بانک مرکزی تا سقف پانزده درصد ، می توانم بگویم قطعاً اتفاق خواهد افتاد . آنچه که مایه نگرانی تمام کسانیت که در این کار دستی بر آتش دارند ، موضوع ابهام در نحوه اجرای طرح یارانه های نقدی و طرح تحول اقتصادی است . به همین خاطر هم تصمیمی که شورای عالی نظام پزشکی داشته این بوده که یک تعرفه ی موقت را تا ماه 4 یا 5 اعلام بکند و تا آن زمان ببیند که تاثیر اجرای این طرح یارانه ها از نظر اقتصادی چقدر خواهد بود و آن وقت تصمیم اصلی را بگیرد . انکه هیچ گونه افزایشی نباشد اصولاً نظر هیچ یک از مسئولین نبوده و من اطلاع دارم که این افزایش صورت خواهد گرفت تا سقف پانزده درصد و نه بیشتر از آن .

سوال : یعنی اگر سازمان بخواهد خودش را با برنامه های دولت هماهنگ کند آیا معنی اش این است که سازمان نظام پزشکی با سوبسید دادن به مردم از جیب پزشکان در بخش و حوزه ی سلامت می خواهد که دولتی را که هم سوال بر انگیز دارد کار میکند یاری بکند؟

جواب : ببینید...

سوال : ... و این از اول هم واقعا بود اما حالا به شایعه و جک تبدیل شده که پزشکان همه شان فرزند ناخوانده ی دولت اند یعنی در خوشه ی 3 هستند ، مرفهین بی درد !

پاسخ : این البته دو سوال شد ولی من این را عرض بکنم که نه تنها امسالی مکه در پیش داریم ، ما در تمام طول این سال ها داشتیم سوبسید کاستی های دولت را پرداخت می کردیم ، یعنی جامعه ی پزشکی به نوعی علاوه بر خود ، باید بار مشکلات اقتصادی دولت را هم به دوش میکشید . یک پزشک باید یک زمانی برای استراحتش بگذارد ولی بعدا میبینیم بعضی از پزشکان مجبور هستند در روز ساعات بیشتری کار کنند تا زندگیشان بچرخد . گاهی وقت ها مردم از دور نگاه میکنند و میگویند آقا ، پزشکان مرفهین بی درد هستند ، همون تصویری که دولت هم داردمتاسفانه . در حالی که فکر نمیکنند این پزشک فرض بر اینکه مرفه باشد و درآمد خوبی داشته باشد اصلا ان رفاه معنی اش چیست؟ معنیش این است که من یک وقتی از این پول و درآمد خودم بتوانم استفاده بکنم و تفریح داشته باشم . در هفته حداقل دو روز مثل همه جای دنیا بروم و استراحت کنم . این نیست در مورد پزشکان ما ، آنها حتی روز جمعه هم کار میکنند ، یعنی تنها روزی که باید استراحت بکنند . بخش عمده اش به خاطر همین موضع است که واقعا یک پزشک فقط برای حفظ آبرو می آید در مطب میشیند . هر کار دیگری بکند شاید از این حرفه پول بیشتری دربیآورد . لذا من معتقد هستم که ظلمی که الان در زمینه ی تعرفه ها بر جامعه ی پزشکی می رود در نهایت دودش به چشم بیماران هم میرود و امید وارمکه واقعا این تفکر را دولت عوض بکند . ببینید آقای دکتر رجایی ، دلیل اصلی اینکه دولت ما آنطور که ما به سوال کارشناس نظر می دهیم و دوست داریم به نظرمان توجه کنن، به مسائل پزشکی و سلامت در کشور رسیدگی نمیکنند این است که در اولویت بندی سر فصل های مختلف جامعه ، سلامت حتی جزء ده اولویت اول دولت نیست . حتی اولویت دهم هم نیست تا آنجایی که بنده بررسی کردم در اولویت پانزدهم قرار دارد و یعنی اولویت قیل از آن است بله ما می دانیم امنیت کشور در همه جای دنیا باید اولویت اول باشد ، امنیت داخلی ، امنیت مرز ها ، مسائل معیشتی مردم و ... اما از آن طرف هم جامعه ای که دچار معضلات سلامت شود ، چه ملامت و چه سلامت جسمی ، دیگر نباید توقع داشته باشیم که بتواند یک جامعه ی پویا و فعال و سازنده باشد و به دنبال پیشرفت ، بلکه جامعه ، جامعه ای خمود و افسرده و خسته است . فلذا دولت باید تفکر خودش را در این زمینه عوض کند . تفکر را اگر عوض بکند این امید هست که ما تا حدودی بتوانیم در آینده به حداقل حقوق خودمون حداقل پشت شیشه نگاه کنیم ، الان حتی پشت شیشه هم نمی توانیم نگاه کنیم

سوال : خب اگر سازمان نظام پزشکی که به عنوان NGO برخاسته از پزشکان نتواند نظر پزشکان را نمایندگی و اعمال بکند ، آنوقت درست است که بعضی ها این اصطلاح را به کار می بند که در واقع سازمان شده است نماینده ی دولت در صنف پزشکان؟

جواب : این را من قبول ندارم . ببینید ما شاید تا قبل از سال 83 در واقع به این شکل بود بحث تعذفه که دولت تعیین می کرد برای بخش خصوصی و بخش دولتی ، یک سری انجمن ها هم یک تعرفه ای خودشان می نوشتند که بعضا حتی ممکن بود که کم هم باشد . یک آنارشی وجود داشت . نه بیمار تکلیف خودش را می دانست ، اگر فرضا شکایتی داشت و این شکایت می رفت در مرجعی قرار می گرفت ، آن مرجع هم می ماند که چگونه به این کار رسیدگی بکند . قانون جدید که در سال 83 ابلاغ شد این مسئولیت را به سازمان نظام پزشکی داد و سازمان هم واقعا یک تحول و انقلابی را در آن سال تجربه کرد . بعد از این تغییرات عمده قرار بر این شد که سازمان در مورد تعرفه ها با در نظر گرفتن تمام جوانب تصمیم بگیرد و ابلاغ هم بکند ، هم در قانون تصریح شده که باید نظر دولت و سازمان های بیمه گر منظور شود و هم اینکه سازمان اگر الان بیاید و نرخ های واقعی را بدهد ، مثلا نرخ ویزیت یک متخصص روان پزشک را قرار بدهد پنجاه هزار تومان برای مثلا نیم ساعت ویزیت ، با توجه به اینکه متاسفانه دولت عزمی جدی نداشته که بیاید و سرانه ی درمانی را تامین کند ، این فشار فقط به بیمار می آید و ما درست است که باید مدافع حقوق پزشکان باشیم اما یک سوگند هم خورده ایم که بیمارانمان را حتی اگر هم نداشتند به خاطر نداشتن در مطب مان رو نکنیم . مجموعه ی اینها است که باعث می شود سازمان نظام پزشکی یک جاهایی دست به عصا حرکت بکند . اما من در مجموع حرکت سازمان نظام پزشکی را در کل کشور مثبت ارزیابی می کنم.

سوال : خب البته آقای دکتر ، پزشکان دوست ندارند که فضائل اخلاقی را که اکثرا هم دارند مثل مصوبه ی قانونی شود . خب ارزش آن شاید موقعی بیشتر باشد که ویزیت با تعرفه ی واقعی برآورده شود ولی آنها بخواهند از آن صرف نظر کنند ، به خاطر همان فضائل اخلاقی .

جواب : بله حق با شماست موافقم ولی به هر حال قوانین همیشه هستند و می دانید که قوانین بعضی جاها ممکن است با اخلاق منافات داشته باشند و در یک میز نباشند .

سوال : جناب آقای دکتر صداقت ، اگر مطلبی هست که خودتان دوست داشته باشید که برای اظهار آن فرصت بیشتری داشته باشید برای خواننده های ما بفرمایید

جواب : من در شماره ی قبل نشریه یک مطلب کوتاه یک صفحه ای نوشته بودم که ما چه وظایفی در قبال سازمان نظام پزشکی داریم . ما این عادت را داریم که - من به عنوان مثال خودم را عرض می کنم - وقتی که بچه بودم ، می گفتم پدر و مادر برای من چه کار کرده اند؟ و گاهی از خود نمی پرسیدم من باری آنها چه کار کردم؟ آنها تا زمانی که نفس داشتند ، از وقتی که من بچه بودم من را تر و خشک کردند و به مدرسه فرستادند و خرجی به من دادند و حمایت کردند ، حالا آیا زمانی که من به توانی رسیده ام وظایف خودم را انجام دادم یا نه؟ الان سازمان نظام پزشکی از جانب خیلی از دوستان ما این طور تلقی می شود که یک سازمانی هست که یک سری وظایفی در قبال ما دارد و ما هم هر وقت کاری داشتیم به سمت سازمان نظام پزشکی می رویم و کاری هم نداشتیم و دیگر فراموش می کنیم . نه چنین نیست ، بلکه سازمان خانه کثیف نباشد ، اگر میوه ای لازم است خریداری بکنیم اگر یخچال خالی باشد برای پر کردن اش اقدام بکنیم ، دقت کنیم در و پنجره سالم باشد و یک مجموعه ی مرتب باشد که ما در آن زندگی می کنیم . من این گله رو به طور جدا برخی از همکاران می کنم که واقعا فکر می کنند که نظام پزشکی کاری برای ما انجام نداده که حالا می گوید سالی چهل یا پنجاه هزار تومان حق عضویت بدهید . نظام پزشکی امون مثل دیوار امنیتی است که به دور تک تک ما کشیده شده ، و ضمن اینکه با تمام نواقص ، یک تعرفه ی به هر حال نزدیک به واقعیت و آنچه در توان دارند برای ما تامین و ابلاغ می کنند ، امنیت کاری از تعزفه خیلی بالا تر است الان سیستم های داسرا ها و هیئت های انتظامی یک نوع امنیت کاری ایجاد کرده تا اینطور نباشد که هر کسی از بیرون بتواند ما را احضار کند یا زندان و بازداشت بکند . سیستم های موجود این امنیت ارزشمند را ایجاد کرده ، و لذا من معتقد ام دوستان در مقابل ، حداقل کاری که ما از شان می خواهیم این است که وقتی جلسه ای می گذاریم حضور پیدا کنند حداقل بیایند حق عضویت خودشان را بدهند . ما به هر حال کارمند داریم که الان در شب عید ، حقوق و سنوات و پاداش می خواهد ، هزینه های ساختمان و مشکلات مختلفی که پیش می آید و ... ما تنها ممر در آمد مان همین حق عضویت هایی است که دوستان باید پرداخت بکنند و جلسات هم وقتی که دوستان حضور پیدا نکنند هر چند هم من و همکارانم در هیئت مدیره ، آدم های قوی باشیم از نظر مدیریتی ، در واقع مثل فرمانده هانی می شویم که هیچ سربازی پشت سرش نیست . فرمانده ی بدون سرباز هر چقدر هم قوی باشد و نقشه های قوی داشته باشد دو گونه موفق نمی شود . جسارت نمیکنیم به دوستان کلمه ی سرباز را بگوییم. مت میخوایم دوستان مثل همراهان و مشاورانی در کنار ما باشند ، و بعد دیکته های ما را تصحیح کنندو غلط های ما را به ما بگویند و اینگونه نباشد که خودشان را کنار بکشند و ما را دست تنها بگذارند

سوال : آیا از فرد خاصی از همکاران پزشک ، اعضای نظام پزشکی کرج ، اعضای هیئت مدیره ی فعلی و قبلی ریال کاندیدا های رقیب ، یا احیانا از کسانی که نشریه را میخوانند و بخشی از کسی به دلتان مانده که بخواهید با حفظ حریم مخاطب در این مصاحبه و او به اشاره بیان کنید؟

جواب : من یاد گرفته ام که برای دلم دو تا دریچ بگذارم ، یک دریچه ورودی و یک دریچه ی خروج . ممکن است در کوتاه مدت از کسی برنجم ولی خیلی زود می بخشم. و اینکه سعی میکنم خودم را جای آن فرد بگذارم ، و او هم در یک شرایطی اشتباهی کرده ، خیلی دلم میخواد آدمها وقتی اشتباهی می کنند جسارت اظهار اشتباه خودشان را داشته باشند . این جسارت متاسفانه در ما کم است . گاهی وقت ها میبینیم خیلی از افراد ی که در فرهنگ ما نیستند و در فرهنگ و جامعه ی غربی زندگی میکنند، این سارت را دارند و خیلی راحت می آیند و اشتباه خودشان را میگویند. دلیل این امر را من در این می دانم که ما وقتی دوستی ، همکاری ، فرزندمان حتی ، می آیند و خیلی صادقانه میگویند که من این خطا را کردم ، این اشتباه را کردم ، ما به جای اینکه عذر خواهی او را بپذیریم ، از آن به بعد آن اظهار اشتباه و خطا توسط آن فرد را وسیله ای برای ملامت و کوبیدن او قرار می دهیم . و آرامش روحی را از او میگیریم و آن فرد ممکن است با خودش بگوید اگر من جای دیگری باز اشتباه کردم دیگر آن را اظهار نخواهم کرد. این امر باعث شده که ما در جامعه مان توانایی ابراز اشتباهمان را از خودمان بگیریم و اصطلاحا خود سانسوری کنیم . نه من کسانی را که - نه فقط از بین همکاران - خطاهایی داشتند و حتی زیان ها فراوانی به من وارد کرده اند ، بعد از مدتی به خصوص در شب های قدر سعی کرده ام که ببخشم . چرا که وقتی من از پروردگارم توقع دارم که من را عفو کند ، چطور باید به خودم اجازه بدهم که دیگران را عفو نکنم. و یک نکته هم من اینجا عرض بکنم ، از پیامبر گرامی اسلام نقل است که می فومایند : " اگر میخواهی عفو بکنی ، عفو بدون منت بکن" در عربی دو کلمه است که اینها مترادف هستند با عمق متفاوت. یکی عفو صفا . صفا عبارت است از عفو بدون منت . یعنی من خطا و سارتی به شما کردم و شما بدون اینکه منی بگذارید ، مثلا میگویید : " ببین دکتر صداقت ! من تو را می بخشمت ها ولی آخرین بارت باشه!" من را ببخشید . و پیغمبر ما عفو بدون منت می کرد. آن یهودی ه خاکستر داغ بر سر پیغمبر ما می ریخت ، وقتی

یک روز نریخت پیغمبر سوال می کند که امروز چرا این فرد نیومد؟ میگویند بیمار شده است، پیغمبر به عیادت او میرود و نمیگوید که من آن کسی هستم که خاکستر داغ بر سرش می ریختی، و آن فرد پیغمبر را میشناسد و در می یابد که پیغمبر در واقع او را با این کارش مورد عفو قرار داده است. و ما باید چنین خصلتی داشته باشیم. سوال: حالا که در آستانه ی سال جدید هستیم، برای اعضای سازمان نظام پزشکی کرج آیا توصیه و مطلبی دارید؟

جواب: واقعا فقط نگوییم: "یا مقلوب القلوب و الابصار" به معنی اش هم نگاه نکنیم. این کسی که از او میخواهیم در ما انقلاب ایجاد بکند، اول ببینیم چقدر آمادگی این انقلاب را داریم، ببینیم این تحولی که میخواهیم چه تحولی است. من معتقد هستم که جامعه مان را، نه فقط جامعه ی بشری مان را در همه جای دنیا و به خصوص کشورمان باید ببینیم که نقایص زیادی از نظر معنوی دارد و آرزو کنیم که این نقایص اول در خودمان رفع شوند که مقدمه ای برای اصلاح امعهی بشری باشد.

سوال: آقای دکتر، آیا فکر میکنید که سایر اعضای هیئت مدیره و متقاضیان کاندیداتوری که رای نیاورده بودند، هم با همین خوشرویی شما، به استقبال مصاحبه ی ما خواهند آمد؟

جواب: خب شاید هر کسی این مصاحبه را نپذیرد، کسی که میپذیرد باید جسارت جواب دادن داشته باشد، جسارت حرف زدن داشته باشد، جسارت انتقاد از خود و از دیگران را داشته باشد. مجموعه ی اینهاست که به نظر من یک آدم موفق را می سازد. من می دانم که برخی از دوستان ممکن است این را قبول نکنند و این ایراد بزرگی است که ما متاسفانه عادت کرده ای بیرون بنشینیم و به قول معروف بگویی لنگش کن.